

اسم، محمد علی نشان، مصاحبی، از خاندان ملا مصاحب نائینی است که در تذکره های دوره ناصری شرح حال و ذوق سرشار و اخلاق ستوده اش نگاشته شده. تخلص عبرت را از دهقان سامانی که یکی از شعرای کم نظیر معاصر است دارد. پدرش عبدالخالق نائینی است که از نائین مهاجرت کرده و در اصفهان سکونت جسته است، عبرت در ماه رمضان ۱۲۸۳ قمری در نائین متولد و تحصیلات مقدماتی را در اصفهان تکمیل و خط نسخ را بکمال خوبی نزد استادان فن آموخته و همین سرمایه امور معاش او بود زیرا تا آخر عمر بشفغ کتابت امور خود و عاقله اش را اداره مینمود (البته با کمال قناعت) در بلندی طبع و پاکی طینت و خوبی نیت یگانه و در مقام تسلیم و رضا پر و اولیای الهی بود، با توشه قناعت به بیشتر ایالات و ولایات حتی قراء و مزارع ایران سفر کرده و در اغلب شهرها سالها و ماهها مقیم و در هر جا جمعی را مفتون آداب و اخلاق خود ساخته و چنان آزاد میزیسته که سفرش با عده در اویش از لب آب رکناباد تا شیراز چهل روز طول کشیده است!

این ادیب دانشمند دارای يك پسر که گاهی در پیروی آن پدر بر نداشته و یک دختر می باشد که مشار الیها دارای چند فرزند است این شاعر بتمام معنی آزاده و دارای طبعی روان و ذهنی و قاد، بسیار خوش سلیقه و بذله گو و تا حدی مزاح ولی هیچگاه از حد ادب خارج نمیشد و همه صحبتش را مایل و بچشم بزرگی او را میدیدند.

با اینکه در عین تنگدستی بود هر چه بدستش میرسید در مقام رفقا بذل مینمود و از خود اختیاری نداشت عبرت از صفات رذیله و زشت بکلی عاری و بری و در تمام دوره زندگی از راه نیکنمایی قدیمی فراتر نگذاشت آثار شعری آن مرحوم بقول خودش مجموعاً در حدود ۱۴ هزار بیت است و در حدود شش هزار بیت آن در دو جلد که یکی از آنها بخط خود او است بچاپ سنگی بطبع رسیده ولی مقدار زیادی از آثار نظمی و نثری این شاعر نامی هنوز بطبع نرسیده است از آن جمله مدینه الادب در شرح حال و آثار شعرا و ادبای معاصر است که خط و عکس آنها را ضمیمه کرده و الحق و الانصاف در این تذکره که در حدود چهل هزار بیت و بخط خود اوست

(فعال در کتابخانه مجلس است) در این راه عبرت رنج فراوانی متحمل شده است و همتی بسزا نموده است، تذکره فرهنگستان و تذکره انجمن قدس نیز که با اسلوب مطلوبی نگاشته تمام است ولی چنانچه عبرت نا تمام مانده است، دیوانهای زیادی از اساتید سخن بخط آن مرحوم موجود است که هر یک را برای یکی از اعیان نوشته است دیوان امای - نجیب الدین - رفیع الدین لبنانی - رشید و طواط، ادیب صابر - سروش اصفهانی - سوزنی سمرقندی - خمه نامی اصفهانی - ناصر خسرو، فرخی - قطران - کلیم همدانی - عثمان، بختاری - مجیر بیلقانی - ابوالفرج رونی، محمود خان ملک الشعراء - ادیب پیشاوری را برای مرحوم تیمور تاش بخط نسخ خوش استنساخ کرده که پس از پراکنده شدن کتابخانه تیمور تاش معلوم نیست آن کتابها بدست چه اشخاصی افتاده است، کتابهایی نیز برای مرحوم حاج سید نصرالله تقوی استنساخ کرده، از جمله، آثار شعرائی که در شبهای معینه در تکیه سادات اخوی اشعاری قرائت می کرده اند (در حدود شصت هزار بیت) و کتابهای زیاد دیگر که تصور می رود هنوز از دستبرد این و آن محفوظ و مضمون مانده باشد، در اواخر عمر چندی هم در منزل حاج مخبر السلطنه هدایت مشغول کتابت آثار معظم له بود که قسمتی از آن بخط آن مرحوم بچاپ رسیده است

عبرت اشعار زیادی بمضامین مختلفه و بحور مختلفه برای سخنوران که در تکیه ها و قهوه خانه های بزرگ سخنوری می کردند سروده و بدون آنکه نسخه آن را نگاهدارد بخط خود بر ایگان باین و آن داده است که اگر آنها جمع آوری و بدون شود دور نیست در حدود شاهنامه فردوسی بشود (سخنوران سابقاً در قهوه خانه های بزرگ با طوقهائی داشتند که با حضور جمعیتهای زیادی سخنوری می کردند و هنوز هم نمونه ای از آنها در بعضی از تکیه ها و قهوه خانه ها در روزهای مخصوصی باقیست) مرحوم عبرت مطلقاً بدنی و اهل دنیا اعتنائی نداشت و هیچگاه بمال و منال فانی دل نبسته و از همین راه از غم و رنج سیم و زر همیشه بر کنار بود، کمتر کسی بزهد و تقوای حقیقی عبرت در ایندور زمان دیده شده است، در دوره حیات بمدح و خوش آمد و چاپلوسی کسان زبان نیالود و تا بود این شیوه را از دست نداد، در صدق گفتار و نیکی رفتار بر همگان

و همگنان سبقت جسته بود و بدون آرایش و روی و ریا با کمال سادگی با برومندی و عزت نفس عمری بسر برد - عبرت در نزد همه کس عزیز و محترم و دور از حرص و طمع و جاه طلبی بود .

مرحوم عبرت اهل کینه و بغض نبود (برخلاف یکی از رفقایش که با کمال بی صبری اگر بکسی ظنن میشد یا سوء تفاهمی پیش آمد میکرد و لو خیلی هم جزئی بود تا آخر عمر رشته خصومت را رها نمیکرد) عبرت فوق العاده اهل گذشت و معاشرتش با یار و اغیار سر مشق خاص و عام بود - عبرت بهیچوجه بکسی بدین نبود و مطلقاً نظر پاکی داشت ، راستی در امانت از هر حیث یگانه بود - در کلیه امور، اهل توسل بخدا و توکل بحق بود - علاوه بر مقام استادی در شعر شعر را خوب می فهمید و نقاد و مشوق خوبی بود و در عین حال هیچکس را در هیچ باب نمیرنجانید کوچکها را بچشم بزرگی مبدید و بهمه (البته در حدود شئون نشان) احترام میگذاشت ، در موقع کسالت مدتی بطیب خاطر آقای امیر شرفی بدر در منزل خودش با کمال جوانمردی از عبرت پذیرائی کرد ولی پس از چند ماه باز بمنزل خود برگشت، میرزای عبرت طبعاً اهل توقع نبود مثلاً در زمان وزارت و ریاست مرحوم تیمورتاش که مدتها در منزل او کتابت میکرد جزئی خواهشی از او نکرد ، همچنین از مرحوم شاهزاده افسر و حاج سید نصرالله تقوی و دیگران که بمختصر اظهار اقدامی ممکن بود او را بکارهای مهم بگمارند نسبت بخود تقاضائی ننمود ، یکی دو ماه پیش از وفاتش بمنزل او رفتیم دارائی او حقیقتاً به پنجاه تومان نمیرسید و در عین حال خوشحال و خرسند و شاکر بود، وفاتش در سال هزار و سیصد و شصت و یک هجری قمری يك هفته بعد از مرحوم و حیدر دستگردی در خیابان اسلامبول در تکیه‌ئی که معروف بمقبره مخیر الدوله است و فعلاً متعلق بحاج مخیر السلطنه میباشد اتفاق افتاد و در امام زاده عبدالله مدفون گشت حقیقتاً وضع و حال و درویشی و از خود گذشتگی عبرت را از این غزلش که برای نمونه ذیلا درج میشود میتوان دریافت : آقای عباس فرات چنانکه شیوه ایشان است قصیده می دررثاء و ماده تاریخ رحلت میرزا سروده اند که بعد از غزل درج میگردد .

نیست از عشق تو امروز چون رسوائی دین و دل باختی می شیفته می شیدائی

خانه پرداخته‌می در بدری رسوائی
 از خرد بیخبری دشت جنون پیمائی
 غیر سودای سر زلف توام سودائی
 که شب هجر ترا نیست ز پی فردائی
 شوخ سنگین دل عاشق کش بی پروائی
 بردش از راه برون عشق بت ترسائی
 هر که راهست بیر سرو سمن سیمائی
 عشق رخسار و قد سرو سهی بسالائی
 ای خوشا صحبت صاحب‌دل روشن رائی
 گیتی ایمن ترازین گوشه ندارد جائی

والهی بادیه گردی بیلا ساخته‌می
 دل بدریا زده‌تر ز آتش غم سوخته‌می
 هست خال تو سویدای دل تکم و نیست
 وعده وصل بفردا مده امشب ما را
 کوب شو! دست ز جان هر که بود معشوقش
 دل من کاینمه در بند مسلمانی بود
 میل خاطر نکشد جانب سرو و سمنش
 خاطر و طبع مرا روشن و موزون کرده‌است
 تیره شد خاطر ام از صحبت شیخان ربا
 رو چو عبرت بگزین گوشه عزلت که دگر

آقای فرات سروده‌اند

زین تسکنای جست سوی لامکان پناه
 مسدود گشته بر رخشان باب انتباه
 هستند اهل آز و طمع بس باشتباه
 خرم کسیکه فرق نهد راه را ز چاه
 صبح و مسا بگریه‌ ما در قاه قاه
 بردارد از سرت ز فسون ناگهان کلاه
 بین گدای بیسر و سامان و پادشاه
 با ذات حق نمایش هستی بود گناه
 از خلد کاین زمانه نیرزد بمشت گاه
 ایکن گام اول گم کرده بود راه
 بنما نظر بحالت این قوم گاه گاه
 کز انتباه گردی از این راه عذر خواه
 شد کشتزار حاصل اهل جهان تباه
 عبرت که بس کسل شد از این تنگ جایگاه
 رست از فساد و فتنه دوران سال و ماه

خوش آنکه سوی جنت مقصود برد راه
 خلقند گرچه جمله سوی نیستی روان
 کس زینجهان نبرد برون مال و مکتبی
 چاه است مال و جاه جهان در ره نفوس
 ما از غم جهان شده گریان و میزند
 دعوی سر بلندی بیجا مکن که چرخ
 از کالبد چو روح جدا گشت فرق نیست
 رو نیستی بجوی که در عالم وجود
 رمزنی بود گذشتن آدم بگندمی
 آدم چو از بهشت بدین نشاء پا نهاد
 در کسوی خفتگان مؤبد قدم گذار
 کاکه شوی که نیست جهان بر مراد کس
 معدوم باد عالم، غفلت که اندر آن
 عبرت سراست عالم، دانی چسرا برفت
 عبرت ز راه شوق ز عبرت سرا برفت

مرغ روان او سوی گلزار عزو جاه
 شد تیره بزم شعر چو رفتند مهر و ماه
 چون شد برون ز وجود از این کهنه خانقاه
 ز آن روی کامیاب شد از عالم رفاه
 دمساز شد بگل بدو صد و چند چون گیاه
 بیزار از تجمل و فارغ ز قصر گاه
 سلطان هر دو کون که اریا خدا
 باغ بهشت را بر بخش رحمت الهه
 چون دید گشته عالم فانی ز کین سیاه
 بر حسن عاقبت عمل نیک او گواه
 او بود پادشاه و دگر شاعران سپاه
 از خیل شاعران فلک جاه و دستگاہ
 تاریخ سال رحلت (عبرت رفت آه)

هر کسکه رخت بست ازین تنگنا (فرا ت) ۱۳۶۱
 يك لحظه پس نکرد ز فرط خوشی نگاه

پودند نیشکر با نیپای وحشی

یکی از بزرگترین مزارع نیشکر دنیا در (کوئیم باتور) واقع در جنوب هندوستان واقع شده است، نیشکر در آنجا با نباتات وحشی دیگر تماماً روئیده می شود و یکی از فوائد این امر این است که در برابر وبا و امراض و اگیردار مانند آن دیوار بلندی می کشد. در طی ۲۶ سال گذشته مزرعه نمونه های (کوئیم باتور) پوسته در جستجوی بدست آوردن نمونه های تازه و نباتاتی بوده است که با آب و هوای مختلف هند موافقت داشته باشد. امروز ۷۵ درصد این مزرعه از انواع نیشکری پوشیده شده است که جنس آن مرغوبیت تازه می دارد. شهرت نیشکر (کوئیم باتور) در همه جهان پیچیده است و در آمریکا و آفریقای جنوبی و استرالیا و جزیره موریس و مصر و آفریقای شرقی و پرتغال نمونه های آن اقتباس شده است. تا چند سال پیش میزان محصول نسبت به جریب زمین ها پائین تر از نقاط دیگر جهان بوده و علت کمی محصول هم پستی جنس می بوده. برای علاج چند نوع نیشکر تازه بآن زمین برده شد اما این انواع نتوانستند با اقلیم خاص هندوستان بسازند و بالتیجه از میان رفتند.

نتایج تجربیاتی که در جاوه برای ایجاد مزرعه های نمونه بدست آمده بود